

جایگاه صنایع کارخانه‌ای در اقتصاد و جامعه عهد ایلخانان

سیدابوالفضل رضوی
دانشیار دانشگاه خوارزمی

مقدمه

علی‌رغم خشونت و شدت عمل مغول‌ها در حملات آغازین به ایران، عصر حاکمیت ایلخانان امنیت و ثباتی نسبی پدید آورد و اوضاع سیاسی و اقتصادی بسامان‌تری را رقم زد. یکی از ویژگی‌های مهم این عهد بهبودی نسبی در زمینه صنعت و هنر است. در خصوص صنایع و حرفی که مورد توجه مغول‌ها بود این موضوع به‌ویژه نمودهای مشهودتری داشت. پس از دوره‌ای تشمت، توجه به صنعت و تأسیس کارخانه‌ها آغاز شد. اهتمام عمومی مغول‌ها به صاحبان فنون و صنایع در گیرودار فتوحات مشهود بود و پس از آن نیز ادامه یافت. در مقایسه با سایر رعایا، صنعتگران وضعیت بهتری داشتند. توجه به محترفه و انتقال بسیاری از صنعتگران به سرزمین مغولستان به سبب نیازهای معیشتی و نظامی مغول‌ها بود و بدین سبب که در تمامی ادوار این

Sayyed Abolfazl Razavi, "Craft Industries in the Economy and Society of the Ilkhanids," *Iran Namag*, Volume 5, Number 1 (Spring 2020), 37-55.

سیدابوالفضل رضوی <abolfazlrazavi@khu.ac.ir> (دانش‌آموخته دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۳) دانشیار گروه تاریخ دانشگاه خوارزمی، متخصص تاریخ ایران در دوره ایلخانان و علاقه‌مند به مباحث نظری و روش‌شناسی در معرفت تاریخی است.

دسته از نیازها وجود داشتند، به صنعتگران و هنرمندان هم که مرتفع‌کنندگان این نیازها بودند توجه می‌شد.

مغول‌ها مردمی جنگجو بودند و اقبال عمومی خود را از جهانگیری و کشورگشایی به دست آورده بودند. به علاوه، پس از یک دوره فتوحات در زمان چنگیز، به سروران بخش مهمی از بلاد متمدن آن روز جهان تبدیل شده و زندگی آنها در تجمّل و شوکت فرورفته بود. تأمین وسایل و تدارکات جنگی برای تداوم فتوحات و ابزار و لوازم معیشت تجملی آنها بر عهده صاحبان صنایع بود و بدین سبب که قوم فاتح در این خصوص تجربه‌ای نداشت، بار اصلی بر دوش صنعتگران اقوام مغلوب قرار می‌گرفت. همانندی ساختار حکومت ایلخانان با ساختار امپراتوری مغول و نیاز آنها به تولیدات صنعتی و هنری از یک سو و پیشینه صنعت و هنر به منزله شیوه‌ای از معیشت مردم شهری ایران از سوی دیگر، اهتمام به صنعتگران را ضرورت بیشتری بخشید و در سراسر عهد ایلخانان و به‌ویژه عهد مسلمانی آنها، کارخانه‌ها رونق بسیار داشتند. به نظر می‌رسد نیاز مغول‌ها به مصنوعات کارخانه‌ها در این رونق سهمی بسزا داشت و رونق نسبی در اقتصاد شهری نیز در میان دخیل بود.

در این مقاله، ضمن مروری بر زمینه‌های رونق صنایع کارخانه‌ای عهد ایلخانان، جایگاه کارگاه‌های حکومتی (کارخانه‌ها) را با در نظر داشتن پیشینه آنها در ایران بررسی می‌کنیم و در ادامه، وضعیت صنایع پُرکاربردتر پارچه‌بافی و اسلحه‌سازی را از نظر می‌گذرانیم. این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی در پی بررسی تأثیر نیاز متقابل جامعه و حکومت عهد ایلخانان در رشد صنایع کارخانه‌ای این عصر است.

زمینه‌های فعالیت صنعتی در عهد ایلخانان

در ایران که زمینه‌های رشد صنعت و هنر به منزله مظاهر زندگی شهری و تمدن دیرپای ایرانی فراهم بود، نیاز و علاقه‌مندی مغول‌ها نقش مضاعفی در این زمینه ایفا کرد و برخی از رشته‌های صنعتی رو به رشد نهادند. اولین نشانه‌های توجه مغول‌ها در این زمینه از دوره فترت قبل از شکل‌گیری حکومت ایلخانان خود را نشان داد و با تأسیس کارخانه‌های شهری در زمان حکومت گورگوز بر خراسان قدم مهمی در این خصوص برداشته شد.^۱ توجه به صنعت و هنر پس از پیدایش حکومت ایلخانی هم ادامه یافت و در نتیجه تمرکز سیاسی و اقتصادی نسبی قلمرو و لزوم مقابله

^۱ رشیدالدین فضل‌الله همدانی، *جامع‌التواریخ* (چاپ ۲؛ تهران: انتشارات اقبال، ۱۳۶۲)، جلد ۱، ۴۸۴.

با مشکلات نظامی، زمینه‌های مناسب‌تری در اختیار صنعتگران قرار گرفت. روابط فرهنگی میان ایران و چین هم در رشد صنعت و هنر و تعالی و تنوع سبک و فنون صنعتی این عصر تأثیرات قابل توجهی داشت. همچنین، مناسبات میان ایران و اروپا در این زمینه بی‌تأثیر نبود. تساهل مغول‌ها در زمینه‌های عقیدتی و فرهنگی و از میان رفتن بخشی از محدودیت‌ها نیز رشد صنعت و هنر را به دنبال داشت و در برخی از رشته‌های هنری از جمله نقاشی، نگارگری و کاشی‌سازی تحولات چشمگیری پدید آورد. امر دیگری که در جای خود سهم مهمی در روند تولیدات صنعتی داشت رشد تجارت و گسترش مبادلات اقتصادی در جهان آن روز بود. بخش مهمی از تولیدات صنعتی این روزگار در خدمت تجارت بود و تقاضای فراوانی در اطراف و اکناف عالم داشت. این دسته از تولیدات صنعتی که در رأس آن پارچه‌بافی و تهیه و تولید مواد خام صنعتی و معدنی بود رشد بسیار کرد و علاوه بر نیازهای معیشتی مغول‌ها، بخشی از مایحتاج سایر ملل را نیز برآورده می‌کرد.

مجموع عوامل فوق رشد صنعت و هنر را به دنبال داشت، اما در تمامی مراحل حکومت ایلخانان آهنگ رشد صنایع یکسان نبود و همه مناطق ایران به یک میزان از این شرایط برخوردار نبودند. مشخص‌ترین نمودهای رشد صناعت در عصر مسلمانان آنها بود و بیشترین رونق صنعتی به مناطق مرکزی و نیمه‌غربی ایران تعلق داشت. به عبارتی، مناطقی که مورد هجوم مغول قرار نگرفت، نواحی‌ای که در مسیر عبور راه‌های تجاری قرار داشتند و مناطقی که مرکز سیاسی حکومت ایلخانی و حکام تابع آنها بودند بیشترین رشد صنعتی را داشتند. در کل، ایلخانان به دنبال ویرانی بخش مهمی از مناطق شرقی و یک دوره نابسامانی پس از تهاجم مغول بر ایران حکومت یافتند و نوع تأثیرگذاری آنها بر حیات صنعتی و هنری مسئله مهمی محسوب می‌شد. با این همه باید در نظر داشت که این تأثیرگذاری رشد همه صنایع را به دنبال نداشت و بیشترین رشد از آن رشته‌های مطلوب آنها (پارچه‌بافی و فلزکاری) بود. رشته‌های هنری و صنعتی دیگری از قبیل کاشی‌سازی، جواهرسازی، کاغذسازی، معماری، نقاشی، کتاب‌آرایی، خط و تذهیب هم در پرتو تحولات این زمان رو به رشد نهادند، اما رشدی به اندازه پارچه‌بافی و اسلحه‌سازی نداشتند. در زمان ایلخانان، صنعتگران دیوان و دفاتر مخصوص به خود داشتند و فعالیت کارخانه‌ها اقدام بی‌سابقه‌ای به حساب می‌آمد. بازارها و کارخانه‌ها، دو مرکز مهم صنعتی این زمان، مورد اهتمام خاصی بودند و در هر شهری که در این زمان ساخته یا احیا شده است، این دو مرکز اقتصادی اهمیت خاص داشتند. عمده فعالیت‌های صنعتی این زمان درون بازار

شهرها صورت می گرفت و صرف نظر از تولید گیاهان صنعتی و بخشی از صناعی که روستاییان نیز در آن مشارکت داشتند، مابقی مصنوعات در کارخانه‌های شهری تولید می‌شدند.

کارگاه‌های حکومتی در عهد ایلخانان

الف. پیشینه کارگاه‌ها در ایران

فعالیت‌های صنعتی در کارگاه‌های تحت نظر حکومت در سراسر دوران اسلامی صورت می‌گرفت و سابقه آن به عهد ساسانیان می‌رسید. در دوران بنی‌عباس، تعدادی از صنعتگران در کارگاه‌های دولتی به بافت و تولید و تزئین پارچه می‌پرداختند و تولیدات آنها در اختیار دولت قرار می‌گرفت. این کارگاه‌ها را "طرازخانه" (دارالطراز) و به اختصار "طراز" می‌گفتند و زیر نظر منصبی که عنوان "صاحب الطراز" داشت فعالیت می‌کردند. وظیفه صاحب طراز نظارت بر کار بافندگان، تهیه مواد خام و وسایل مورد نیاز آنها و پرداخت مزد و مواجب ایشان بود.^۲ در ایران، چنین کارگاه‌هایی را ترازکده و تراز می‌خواندند و موارد عدیده‌ای از آن در شهرهای ایران گزارش شده است. ابن حوقل از وجود چنین کارگاه‌هایی در کازرون، شوشتر، شوش، جهرم و بم سخن گفته و یاقوت حموی از سوء استفاده محمدبن مسافر، پادشاه دیلم، از چنین شیوه‌ای برای استثمار صنعتگران یاد می‌کند.^۳ این شخص با دادن وعده‌های مالی صنعتگران را به سوی خود جذب می‌کرد و با محبوس کردن ایشان در قلعه سمیران و وادار کردنشان به کار اجباری سود فراوانی می‌برد. گویا شمار پارچه‌بافانی که او استثمار می‌کرده است از ۵ هزار نفر هم بیشتر بوده است.^۴ علاوه بر ترازکده‌ها، طریق دیگری که در تولید پارچه معمول بود، گرفتن مساعده از دولت و تحویل پارچه در قبال آن بود. ابن بلخی از چنین شیوه‌ای در کازرون زمان سلجوقی یاد کرده است: "جولاهگان کازرون علی‌الرسم مساعده‌ای از دیوان می‌گرفتند تا برای آن جامه بافند و تحویل آن بر عهده بیاعان معتمدی بود که قیمت عدل بر آن می‌نهادند."^۵ بر پایه

^۲ عبدالرحمن ابن خلدون، مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی (چاپ ۴؛ تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴)، جلد ۱، ۴۵۲.

^۳ ابن حوقل، *ایران در صورت الارض*، ترجمه جعفر شعار (چاپ ۲؛ تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۶)، ۲۸، ۷۷، ۶۶-۶۵.

^۴ شهاب‌الدین ابی‌عبدالله یاقوت حموی، *معجم البلدان* (تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۸۰)، الجزء الثالث، ۲۹۰-۲۹۱.

^۵ ابن بلخی، *فارسنامه*، تصحیح گای لسترنج و رینولد نیکلسون (چاپ ۲؛ تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۲)، ۱۹۸-۱۹۹.

سندی از *وسائل الرسائل* اثر رشید الدین وطواط، در روزگار خوارزمشاهیان همچنین کارگاه‌هایی وجود داشته و عنوان بیوتات داشته است. افراد امینی در رأس این بیوتات قرار داشته و امور آنها را زیر نظر وزیر اداره می‌کردند.^۶

ب. آشنایی مغول با کارگاه‌های صنعتی

بر اساس گزارش برخی منابع، می‌توان گفت که مغول‌ها قبل از حمله به ایران با عملکرد چنین کارگاه‌هایی آشنایی داشته و از تولیدات آنها استفاده می‌کرده‌اند.^۷ از این گذشته، در همهٔ ایام فتح و حکومت، پارچه‌بافان و آهنگران مورد توجه مغول‌ها و در مقام غلامان و زبردستان بزرگان مغول مشمول لطف و مساعدت بودند.^۸ به هر ترتیب، آشنایی قبلی مغول‌ها با این پدیده یا نیاز مبرم آنها به محصولات تولیدی صنعتگران که لزوم برخورد منطقی و اقتصادی را در خصوص فعالیت آنها مطرح می‌کرد، نقش مهمی در پیدایش کارگاه‌های حکومتی در این زمان داشته است.

چنین به نظر می‌رسد که در آغاز هجوم به ایران، برخورد مهاجمان مغول با صنعتگرانی که اسیر و جزئی از آرات‌های خان‌زادگان و خواتین مغولی محسوب می‌شدند به دو صورت بود. عده‌ای از آنها را همراه با خانواده‌هایشان به مغولستان انتقال می‌دادند و با سکونت آنها در یورت‌های مشخص به تولید مصنوعات مورد نظر وادار می‌کردند. برخی دیگر را در شهرهای محل سکونتشان باقی می‌گذاشتند تا در آنجا به تولید کالاهای مورد نیاز بپردازند. هر دو دستهٔ این صنعتگران اسیر و برده مغول‌ها بوده و ممکن بود ملک مشترک تمامی خان‌زادگان و خواتین مغولی بوده باشند یا در مالکیت جداگانهٔ هر یک از آنها به شمار روند. برای مثال، تعدادی از جامه‌بافان هرات به یکی از خواتین چنگیز تعلق داشتند^۹ و در همان حال، در شهر بخارا صنعتگرانی متعلق به تمامی خان‌زادگان می‌زیستند.^{۱۰} ایلخانان بر صنعتگرانی که در کارخانه‌های

۶. ان. کی. اس. لمبتون، *تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران*، ترجمهٔ یعقوب آژند (تهران: نشر نی، ۱۳۷۲)، ۳۵۸.

۷. برای نمونه بنگرید به غریغوریوس ابوالفرج بن اهرن ابن عبری، *تاریخ مختصرالدول*، ترجمهٔ محمد علی تاج‌پور و حشمت‌الله ریاضی (تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۴)، ۳۱۸.

۸. باریس یاکوولویویچ ولادیمیرتسوف، *نظام اجتماعی مغول: فنودالیسم خانه‌به‌دوشی*، ترجمهٔ شیرین بیانی (چاپ ۲؛ تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵)، ۱۹۰-۱۹۶.

۹. سیف‌بن محمدبن یعقوب هروی، *تاریخ‌نامهٔ هرات*، تصحیح محمد الزبیر الصدیقی (چاپ ۲؛ تهران: انتشارات کتابفروشی خیام، ۱۳۵۲)، ۱۰۷.

۱۰. فضل‌الله بن عبدالله شیرازی (وصاف الحضرة)، *تاریخ وصاف*، به اهتمام محمد مهدی اصفهانی (تهران: کتابخانهٔ ابن سینا و کتابخانهٔ جعفری تبریز، ۱۳۳۸)، ۵۱.

قلمرو قویلیای قآن مشغول به کار بودند حق مالکیت داشتند و با ارسال ملک معظم فخرالدین احمد در زمان غازان (۶۹۷ق/ ۱۲۹۹م) سهم آنها از منافع کارخانه‌های مذکور که از زمان هولاکو به تعویق افتاده بود پرداخت شد.^{۱۱} در شهرهای بخارا و سمرقند، علاوه بر صنعتگرانی که در مالکیت عمومی سران امپراتوری مغول بودند، هر یک از خان‌زادگان اولوس‌های جغتای و اوکتای نیز کارخانه‌های خاص خود داشتند.^{۱۲}

ج. کارگاه‌های صنعتی در ایران دوران مغول

مانند هرات، پس از یک دوره نظم نسبی که به دنبال فتوحات دوران آغازین برقرار شد، تعدادی از صنعتگرانی که به اسارت به مغولستان برده شده بودند به سرزمین خود بازگردانده شدند تا با رعایت شرایط در کارگاه‌های حکومتی فعالیت کنند.^{۱۳} از این زمان، مقارن با دوره فرمانروایی اوکتای قآن، مدام از تأسیس و ایجاد کارخانه‌هایی سخن رفته است که صنعتگران تحت نظر وابستگان مغولی در آنها کار می‌کردند. در ایران به صورت هم‌زمان جورماغون در نواحی غربی ایران و گورگوز (۶۳۷-۶۴۱ق/ ۱۲۳۹-۱۲۴۳م) در شهرهای خراسان چنین اقدامی را صورت دادند.^{۱۴} جورماغون پس از کنار آمدن با مردم تبریز و در سایه مساعدت صنعتگران فردی با نام منگو پولاد را در مقام باسحاق پیشه‌وران تعیین کرد و با ارسال منسوجات گرانبها و از جمله خیمه بسیار مجللی که پارچه‌بافان تبریزی برای قآن ساخته بودند، در این مسیر گام برداشت. هدف از این اقدام نظارت بیشتر بر پیشه‌وران و بهره‌برداری از حاصل کار آنها بود و تأسیس کارگاه حکومتی یا بردگی پیشه‌وران در نظر نبود. در عوض، گورگوز بنا به دستور قآن به تأسیس «کارخانه‌های نیکو» در شهرهای خراسان پرداخت و آهنگران و پارچه‌بافان اسیر مغولی را در آنها به کار گماشت.^{۱۵} اندکی قبل از آن، با بازگشت پیشه‌وران و جامه‌بافان هراتی به سرکردگی عزالدین مقدم هروی و تحت نظارت شحنگان مغولی چنین کارگاه‌هایی در شهر هرات نیز تأسیس شده بود.^{۱۶} با این اوصاف، پیدایش کارگاه‌های حکومتی اقدام مهمی بود

^{۱۱} و صاف، تاریخ و صاف، ۵۰۶.

^{۱۲} و صاف، تاریخ و صاف، ۶۹.

^{۱۳} سیفی هروی، تاریخ‌نامه هرات، ۷۱، ۱۰۷-۱۰۸.

^{۱۴} علاءالدین عطاملک جوینی، تاریخ جهانگشا، به سعی و اهتمام عبدالوهاب قزوینی (چاپ ۴؛ تهران، انتشارات ارغوان، ۱۳۷۰)، جلد ۲، ۲۳۷-۲۳۸، ۲۴۷.

^{۱۵} رشیدالدین فضل‌الله، جامع التواریخ، جلد ۱، ۴۸۴.

^{۱۶} سیفی هروی، تاریخ‌نامه هرات، ۱۰۷-۱۰۸.

که در آن دوره نابسامانی و تشتت بسیاری از صنعتگران را در خود جای می‌داد و امکان تداوم فعالیت‌های صنعتی را فراهم می‌کرد که از زمان اوکتای قآن و از ۶۳۴ق/۱۲۳۶م تا ۶۳۸ق/۱۲۴۰م آغاز شده بود. در دوران بعدی نیز مکرراً فعالیت این دسته از کارخانه‌های حکومتی که به‌ویژه در زمینه منسوجات و اسلحه فعالیت می‌کردند در منابع منعکس شده است. از سخنان جوینی در شرح امارت امیر ارغون چنین برمی‌آید که در زمان او تعداد این کارخانه‌ها رو به گسترش نهاد و اساتید مجربی در آنها مشغول به کار بودند.^{۱۷} هولاکو نیز از همان آغاز عملیات خود در زمینه فعالیت کارخانه‌ها اهتمام ویژه‌ای به خرج داد. از جمله اقدامات او در این زمینه تأسیس کارخانه در خبوشان بود.^{۱۸} پس از فتح بغداد نیز در کنار علی بهادر که او را به شحنگی ارتاقان و اوران نامزد کرد، فردی با نام ابن‌دربوس (دربوس؟) را به سمت خازن کارخانه منصوب کرد.^{۱۹} از این اقدام چنین برمی‌آید که یا هولاکو دستور به تأسیس کارخانه‌هایی در شهر بغداد داده بود یا از زمان بنی‌عباس چنین کارخانه‌هایی وجود داشته و در آن زمان تحت نظر حکومت مغول درآمدی بود. آشکار می‌شود که در این دوره میان صنعتگرانی که در بازار و برای خود کار می‌کردند با آنهایی که در کارخانه‌های حکومتی مشغول بودند تفاوت بود. انتصاب علی بهادر در رأس امور "ارتاقان" و "وران" (صنعتگران و صاحبان حرف) و ابن‌دربوس به سمت خزانه‌داری کارخانه‌های بغداد دلیل این موضوع است. بنا بر گزارش ابن‌فوطی، ابن‌دربوس تا زمان مرگ این سمت را بر عهده داشت.^{۲۰} در زمان هولاکو و در جریان اختلافات سیاسی‌اش با برکه، وصاف از کشته شدن ۵ هزار خانوار از صنعتگران متعلق به اولوس جوجی گزارش داده است که به فرمان قویلالی قآن در کارخانه‌های شهر بخارا مشغول به کار بودند و از توجه ویژه مغول‌ها به کارگاه‌های حکومتی و گسترش فوق‌العاده آنها در این زمان حکایت دارد.^{۲۱} بدیهی است که وقتی صنعتگران متعلق به اولوس جوجی ۵ هزار خانواده بودند، سهم دیگران نیز قابل توجه بوده و می‌توان تخمین زد که حداقل در این شهر ۲۰ هزار خانواده در کارخانه‌ها به فعالیت مشغول بودند. ادامه مطالب وصاف در خصوص فعالیت کارخانه‌های بخارا حاکی از این است که بخش مهمی از فعالیت این کارگاه‌ها تولید اسلحه و اصلاح آلات جنگی بوده

^{۱۷} جوینی، تاریخ جهانگشا، جلد ۳، ۱۰۳-۱۰۴.

^{۱۸} جوینی، تاریخ جهانگشا، جلد ۳، ۱۰۵.

^{۱۹} کمال‌الدین ابی‌الفضل عبدالرزاق بن الفوطی البغدادی، حوادث الجامعة والتجارب النافعة فی المأنة السابعة (بیروت: دارالفکر الحدیث، ۱۴۰۷)، ۱۹۵؛ جوینی، تاریخ جهانگشا، جلد ۳، ۲۹۱، ۴۷۶-۴۷۷.

^{۲۰} جوینی، تاریخ جهانگشا، جلد ۳، ۲۹۱، ۴۷۶-۴۷۷.

^{۲۱} وصاف، تاریخ وصاف، ۵۱.

است.^{۲۲} در زمان آباقا و ایلخانان پس از او نیز کارخانه‌ها مورد توجه ویژه بودند. سیفی هروی و فصیحی خوافی از ساخت کارخانه‌ای در بیرون دروازه فیروزآباد شهر هرات در زمان آباقا به سال ۶۶۳ق/۱۲۶۵م یاد می‌کنند که پس از اتمام شخص ایلخان آن را افتتاح کرد.^{۲۳} بازسازی نیشابور در سال ۶۶۹ق/۱۲۷۱م که به دنبال زلزله سال ۶۶۶ق/۱۲۶۸م صورت گرفت نیز یقیناً همراه با ساخت کارخانه در این شهر بوده است، چرا که رشیدالدین در *جامع التواریخ* از وجود کارخانه‌ای در این شهر سخن می‌گوید.^{۲۴} در زمان احمد تکودار از اسکان ۳۰۰ خانواده پارچه‌باف در کارخانه‌های شهر ورامین به دست ارغون گزارشی در دست است که در جریان درگیری احمد و ارغون به اسارت سپاهیان احمد درآمده بودند. به دنبال این اقدام، ارغون با ارسال ایلچیان به کارخانه‌های شهرهای نیشابور، توس و اسفراین که در قلمرو حکومتی او قرار داشتند برای سپاهیان جامه خواست و پس از وصول آنها را میان سپاهیان تقسیم کرد.^{۲۵} چنان‌که از این مطالب برمی‌آید، صنعتگران کارخانه‌های اخیر در حکم ملک شخصی ارغون بوده و از این روی می‌توان گفت اورانی (صنعتگرانی) که در کارگاه‌های حکومت فعالیت می‌کردند تحت تملک سران مغول بودند. در خصوص فعالیت کارخانه‌ها پس از دوره حکومت ارغون مطلب قابل ذکر نابسامانی‌هایی است که در این بخش صنعتی حاصل شد و رشیدالدین فضل‌الله به شرح آن پرداخته است. نابسامانی‌های اخیر از فساد کلی حاکم بر فعالیت‌های صنعتی آن زمان ناشی می‌شد و در نتیجه آن فعالیت کارخانه‌ها دچار اختلال شده بود. این اختلالات و علل آنها را رشیدالدین فضل‌الله چنین توصیف می‌کند:

و در بعضی شهرها کارخانه اوران سلاح بود و مبالغ و جوه در وجه آن معین و نواب امراء قورچی بر آن، و هر وجوه که اطلاق رفتی، عوض آن از بیست یکی حاصل نشدی، یکی به خاطر مشکلات موجود در ولایات و زیاد بودن ایلچیان و طلبکاران و نیرنگ و سیاهکاری حکام... و دیگری به خاطر طمع و تصرفات نواب و بیتکچیان مساس و بعضاً به خاطر کثرت امرایی که بر سر آنها بوده و نظارت می‌کردند و هر یک وجهی را متصرف می‌شدند. از آن گذشته، اوران چون این چنین می‌دیدند از کار کردن شانه خالی کرده

^{۲۲} و صاف، *تاریخ و صاف*، ۶۸-۶۹.

^{۲۳} فصیحی خوافی، *مجمعل فصیحی*، تصحیح محمود فرخ (تهران: انتشارات کتابفروشی باستان، ۱۳۴۰)، ۳۳۴؛

سیفی هروی، *تاریخ‌نامه هرات*، ۲۸۵.

^{۲۴} رشیدالدین فضل‌الله، *جامع التواریخ*، جلد ۲، ۷۹۲؛ فصیحی، *مجمعل فصیحی*، ۳۴۰.

^{۲۵} رشیدالدین فضل‌الله، *جامع التواریخ*، جلد ۲، ۷۹۲.

و به جای کار مفید مشغول عوانی و ایقایی و منازعت و نفاق بودند. در نتیجه این امور کار به آنجا رسید که امور شوم شد و همواره یارگوی اوران و گفت‌وگوی ایشان بود و خلل‌ها در امور ملکی پیدا شد و هیچ درآمدی از این کارخانه‌ها حاصل نمی‌شد.^{۲۶}

رشیدالدین فضل‌الله سپس به شرح اصلاحات غازان در این زمینه پرداخته و اطلاعات کامل‌تری در خصوص کارخانه‌های این عهد به دست می‌دهد. بر این اساس،

الف. صنعتگران کارخانه‌های اخیر که زیر نظر بیتکچیان و نواب دیوان مساس کار می‌کردند در حکم اسیران حکام ایلخانی محسوب می‌شدند و تعدادشان بسیار زیاد بود.

ب. بسیاری از آنها که به تولید اسلحه برای مغول‌ها می‌پرداختند مشخصاً قومیت مغولی (غیر تاجیک) داشتند. تاجیکان هم در کنار آنها حضور داشته، اما در اوایل مهارت لازم در زمینه تولید سلاح‌های مورد نظر مغول‌ها را نداشتند. در مراحل بعدی، اینها نیز در ساخت سلاح‌های اخیر تخصص یافته و در زمان غازان به وفور هر نوع سلاحی در بازار یافت می‌شد.

ج. تولیدات کارخانه‌ها به دیوان مساس تحویل می‌شد و دیوان به صنعتگران کارخانه‌ها (اوران، آرات‌ها) مواجبی پرداخت می‌کرد و سلاح‌ها را در اختیار سپاهیان قرار می‌داد.

د. در نتیجه اقدامات غازان، وضعیت صنعتگران کارخانه‌ها بهبود یافت و هزینه و سرمایه لازم در اختیار آنها قرار داده شد.

هـ. این صنعتگران می‌توانستند تولیدات خود را در بازار بفروشند و معادل آن را وجه نقد به خزانه تحویل داده و مواجب خود را به صورت نقدی دریافت کنند. فقط سلاح‌هایی که در بازار کیفیت لازم را نداشتند یا تعدادشان کم بود به دیوان تحویل می‌شد.

و. در پرداخت مواجب آنها همچون دیگر صنعتگران دقت فراوانی به عمل می‌آمد و افراد امینی مسئولیت پرداخت آن را بر عهده گرفتند.^{۲۷}

^{۲۶} رشیدالدین فضل‌الله، جامع التواریخ، جلد ۲، ۱۰۹۴-۱۰۹۵.

^{۲۷} رشیدالدین فضل‌الله، جامع التواریخ، جلد ۲، ۱۰۹۵-۱۰۹۶.

توضیحات رشیدالدین فضل‌الله در خصوص این مشکلات و اصلاح آنها فقط به کارخانه‌های اسلحه‌سازی محدود نیست. در کارخانه‌های پارچه‌بافی نیز سوء استفاده‌هایی صورت می‌گرفت، اما در نتیجه اصلاحات غازان از بین رفت.^{۲۸} در دوره غازان هم در امور کارخانه‌ها اصلاحاتی به عمل آمد که کارخانه‌هایی متعدد در شهرک‌های غازانیه و رشیدیه تأسیس شدند. طبیعی است که در آن زمان و تحت تأثیر مسلمانی ایلخانان صنعتگران این کارخانه‌ها شرایط بهتری داشتند. در همین زمان، سهم ایلخانان از درآمد کارگاه‌های حکومتی قلمرو قآن نیز که از زمان هولاکو تا آن زمان دریافت نشده بود با ارسال رسولانی به چین وصول شد.^{۲۹} مطالب منابع در زمینه فعالیت کارخانه‌ها در زمان الجایتو دقیق‌تر است. در آن زمان، احتمالاً به علت اصلاحات غازان از طرفی و صلح و آرامش نسبی در سیاست خارجی و داخلی فرصت بیشتری در این زمینه فراهم شد. در زمان الجایتو، کارخانه‌های پارچه‌بافی اهمیت بیشتری داشت و شاید تحت تأثیر صلح حاکم بر این زمان از فعالیت کارخانه‌های اسلحه‌سازی به نفع کارخانه‌های پارچه‌بافی کاسته شد و پارچه‌های تولیدی سهم مؤثرتری در فعالیت‌های تجاری ایفا کرد. از این مطلب که وصاف در زمان الجایتو از ورود آلات و ادوات جنگی از اروپا سخن می‌گوید،^{۳۰} و فعالیت کارخانه‌های پارچه‌بافی رشد زیادی کردند می‌توان چنین استنباط کرد که سرمایه‌گذاری بیشتر در زمینه صنعت نساجی بوده است. در آن زمان، به‌خصوص کارخانه‌های پارچه‌بافی سلطانیه و بغداد رونق زیادی داشتند که با عنوان “فردوس” مشهور بودند. کارخانه فردوس بغداد اهمیت بسیار داشت و به احتمال زیاد سابقه آن به اقدامات عصر هولاکو و فعالیت‌های عطاملک جوینی برمی‌گشت. ترقی موقعیت خواجه تاج‌الدین علیشاه در زمان الجایتو از سرپرستی همین کارخانه‌های بغداد آغاز شد و به‌رغم تفرندهای خواجه سعدالدین ساوجی وزیر علیه او، تاج‌الدین علیشاه با انجام مأموریت صحیح خود در اداره این کارخانه‌ها و افزودن بر درآمد آنها موقعیت ویژه‌ای به دست آورد. به‌ویژه پس از به قتل رسیدن نواب سعدالدین وزیر در بغداد به سال ۷۱۱ق/۱۳۱۳م به جرم اختلاس در کارخانه‌های اخیر، موقعیت تاج‌الدین علیشاه رو به تعالی نهاد.^{۳۱}

^{۲۸} رشیدالدین فضل‌الله، جامع التواریخ، جلد ۲، ۹۸۰ و ۱۰۹۲.

^{۲۹} رشیدالدین فضل‌الله، جامع التواریخ، جلد ۲، ۹۹۶؛ رشیدالدین فضل‌الله همدانی، مکاتبات رشیدی، جمع‌آوری مولانا محمد ابرقوهی، به سعی و اهتمام و تصحیح محمد شفیع (پنجاب: بی‌نا، ۱۹۴۵)، مکتوب ۵۱، ۲۱-۳۱۸؛ وصاف، تاریخ وصاف، ۵۰۶.

^{۳۰} وصاف، تاریخ وصاف، ۵۵۳-۵۵۴.

^{۳۱} ابوالقاسم کاشانی، تاریخ الجایتو، به اهتمام مهین همبلی (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸)، ۱۲۱-۱۲۲؛ ابوسلیمان داودبن محمد بناکتی، روضة اولی الالباب فی معرفة التواریخ و الانساب، به کوشش جعفر شعار (چاپ ۲؛ تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۸)، ۴۷۶.

کاشانی، در شرح انتصاب تاج‌الدین علیشاه، کارخانه فردوس بغداد را چنین توصیف می‌کند که "از نگارخانه ارژنگ و صنعت مانی سبق برده بود."^{۳۳} در بنای سلطانیه هم علاوه بر اهتمام ویژه‌ای که در ساخت بازارها به خرج رفت، کارخانه‌های چندی از جمله کارخانه پارچه‌بافی بزرگی با عنوان فردوس ساخته شد و بسیاری از صنعتگران کارخانه فردوس بغداد به آن منتقل شدند.^{۳۳} و صاف در شرحی که عظمت کارخانه فردوس بغداد را نیز در خود دارد کارخانه فردوس سلطانیه را چنین توصیف می‌کند:

به توفیق ارادت بی‌چون و میامن دولت روزافزون پادشاه... عمارت کارخانه فردوس و دیگر اماکن که غیرت کارخانه فردوس برین است از مستحدثات رای‌رزمین مخدوم جهانیان دستور نظام جهان تاج‌الدوله والیدین علیشاه‌مزید قدره‌به اتمام پیوست و چهارهزار نفر صنایع بدیع صنعت دقیق حرفت بااهل و سکن از بغداد بر سبیل طوع و رغبت به آنجا نقل فرمود و اصطلاح مبنی بر سیصد گز طول و صد گز عرض در پیشگاه آن به سنگ‌های مرمر محجر ساخت.^{۳۴}

نقش محرز تاج‌الدین علیشاه در بنای کارخانه اخیر و ایجاد بازاری که در زمان حافظ ابرو به بازار بزازان معروف بود در ذیل جامع‌التواریخ رشیدی نیز آمده است.^{۳۵} در زمان ابوسعید هم کارخانه اخیر رونق داشت و سرپرستی آن بر عهده تاج‌الدین علیشاه بود.^{۳۶}

این کارخانه‌ها سهم عمده‌ای در تداوم و پویایی فعالیت‌های صنعتی داشتند و حمایت شدید حکومت از آنها در این خصوص تأثیر بسیار داشت. در کارخانه‌های اخیر صنعتگرانی از سراسر قلمرو ایلخانان و بلاد خارجی فعالیت داشتند و همین امر فرصت خوبی برای تحول صنعتی و هنری قلمداد می‌شد. تأثیرپذیری هنر ایران از هنر چینی و تحولات فرهنگی این زمان تا حدودی در همین کارخانه‌ها واقع شد و حمایت و تساهل مغول‌ها از فعالیت‌های آنها در این زمینه نقش مهمی ایفا کرد.

^{۳۳} کاشانی، تاریخ‌الجایتو، ۱۲۱.

^{۳۴} کاشانی، تاریخ‌الجایتو، ۴۶-۴۷، ۱۲۲؛ نورالله عبدالله بن لطف‌الله حافظ ابرو، ذیل جامع‌التواریخ رشیدی، به اهتمام خانبابا بیانی (تهران: انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۰)، ۸۲-۸۶.

^{۳۵} و صاف، تاریخ و صاف، ۵۴۱.

^{۳۶} حافظ ابرو، ذیل جامع‌التواریخ رشیدی، ۴۳-۴۴.

^{۳۷} و صاف، تاریخ و صاف، ۶۲۰.

د. پارچه‌بافی در ایران عهد ایلخانان

صنعت پارچه‌بافی مورد توجه همیشگی مردم ایران اعم از شهری و روستایی بوده و مراحل متفاوتی از رشد و رونق را سپری کرده است. از سوی دیگر، مردم خانه‌به‌دوش که به استفاده از محصولات ملل متمدن علاقه‌مند بودند به محض برقراری رابطه با این ملل حرص و ولع زیادی در استفاده از منسوجات تولیدی آنها نشان می‌دادند. استپ‌نشینان آسیا، که در پرتو مناسبات تجاری با دستاوردهای صنعتی و هنری ایرانی‌ها و چینی‌ها آشنا بودند، برای پارچه‌های تولیدی آنها ارزش فراوان قائل بودند و بعضاً از این پارچه‌ها را چون پول در معاملات استفاده می‌کردند.^{۳۷} مغول‌ها هم به منسوجات ملل متمدن بهای زیاد می‌دادند. در تاریخ سری و در شرح وقایع قبل از قدرت‌گیری چنگیز از پارچه‌های پشمی آبی‌رنگ و پیش‌بندهای ابریشمین به صورت کلاه‌های تجملی یاد شده است.^{۳۸} چنگیز هم در موقع یادآوری وحدت "آندایی" پدرش با آونگ‌خان کرائیت و درخواست اتحاد از او جامه همسرش را به نشانه تعهد فرستاد. در زمان تهاجم مغول‌ها به شهرهای ماوراءالنهر و خراسان و توجه عمومی آنها به محترفه، پارچه‌بافان مورد توجه بیشتری بودند. در تسخیر هرات، صنف جامه‌بافان که ریاست آنها با امیر عزالدین مقدم هروی بود از محدود کسانی بودند که از قتل عام مغول‌ها رهایی یافتند.^{۳۹} جامه‌بافان که با هدیه جامه‌های فاخر در یک نوبت مانع از نابودی شهر شده بودند، پس از اسارت به مغولستان برده شدند و تعداد آنها از هزار خانوار بیشتر بود. از میان آنها عدده زیادی به عنوان غنیمت جنگی به یکی از زنان چنگیز رسیدند و با هدف تولید لباس و پوشاک ابریشمی برای وابستگان وی به مغولستان منتقل شدند.^{۴۰} شهر تبریز در آذربایجان و گنجه در اران هم به یمن وجود پارچه‌بافان از نابودی رهایی یافتند.^{۴۱} اطلاعات پلان کارپن هم توجه مغول‌ها به پارچه‌بافانی را تأیید می‌کند که به عنوان اسیر در سرزمین مغولستان به سر می‌بردند.^{۴۲} در دوره ایلخانان، صنعت نساجی از رونق

^{۳۷} و.و. بارتولد، *تذکره جغرافیای تاریخی ایران*، ترجمه حمزه سردادور (چاپ ۳؛ تهران: انتشارات توس، ۱۳۷۲)، ۱۳۷.

^{۳۸} *تاریخ سری مغول‌ها: بیان چائو پی شه*، ترجمه شیرین بیانی (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۰)، ۳۴-۳۵.

^{۳۹} سیفی هروی، *تاریخ‌نامه هرات*، ۷۱، ۱۰۷.

^{۴۰} سیفی هروی، *تاریخ‌نامه هرات*، ۱۰۶-۱۰۹.

^{۴۱} ابوالحسن عزالدین ابن‌اثیر، *الکامل فی التاریخ*، راجع و صحیح محمد یوسف الدقاوه (الطبعة ۲؛ البیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۶)، مجلد ۱۰، ۴۹۵؛ بارتولد، *تذکره جغرافیای تاریخی ایران*، ۲۳۱-۲۳۲.

^{۴۲} پلان کارپن، *سفرنامه*، ترجمه ولی‌الله شایان (تهران: انتشارات یساولی، ۱۳۶۳)، ۳۵، ۹۸ و ۳۴-۷۷.

خاصی برخوردار بود و بسیاری از شهرها در این زمینه فعالیت چشمگیر داشتند. خواجه نصیر در *اخلاق ناصری* پارچه‌بافی را یکی از صنایع مهم مورد نیاز جامعه ذکر می‌کند.^{۴۳} سیاحان و مورخان آن زمان مراکز مهم این صنعت را برشمرده‌اند. زکریای قزوینی از انواع دیبا، پارچه‌های ابریشمی، خز، پرده، گلیم، فرش و قالی در شهر تستر؛ بافته‌های حریری و سرپوش‌های گلدوزی شده در شیراز؛ پارچه‌های ابریشمی و کتانی در کازرون؛ دستمال‌های حریر زیبا و محکم در شهر یزد؛ رشد نساجی و جولا‌هی و تولید پارچه‌های پنبه‌ای و سرپوش‌های زنانه در اصفهان؛ و بافت پارچه‌های عنابی، سقلاطون و اطلس در تبریز یاد می‌کند.^{۴۴} مارکوپولو هم از تولید بهترین و گرانبهاترین ابریشم و پارچه‌های بسیار نازک و ظریف در شهر ارزنجان، بافت پارچه‌های زربفت در شهرهای گرجستان، تولید پارچه‌های بافته‌شده از طلا و ابریشم موسوم به موسیلین در موصل، بهترین پارچه‌های ابریشمی همچون دمشق و دبیت‌های گل‌دار و زربفت با طرح‌های گوناگون و اشکال متنوع در بغداد، انواع پارچه‌های زربفت و ابریشمین و پنبه‌ای در تبریز، پارچه‌های ابریشمی یزدی، و تولید منسوجات ابریشمین و انواع پرده‌های رنگارنگ و رومتکایی و نازبالش‌های بسیار زیبا در کرمان سخن می‌گوید.^{۴۵} در زمان ایلخانان، عده زیادی از بافندگان چینی به ایران آمدند و تحت تأثیر فعالیت آنها سبک و روش‌های تزئینی نوینی در صنعت نساجی پدید آمد. همچنین، عده‌ای از ایرانیان به چین رفتند و در آنجا به تولید پارچه‌های ابریشمی پرداختند. نمونه‌هایی از پارچه‌های ایرانی این عهد که در موزه‌های وین و قاهره موجودند این تنوع و تحول را تأیید می‌کنند.^{۴۶} حمایت و استقبال بزرگان دستگاه ایلخانی از تولید پارچه‌های گوناگون سهم مهمی در رشد عمومی صنعت نساجی داشت. به‌ویژه، پارچه‌هایی که برای اهدا به ایلخانان و خان‌زادگان مغولی بافته می‌شدند مورد توجه بیشتری بودند. در این زمینه، بخش قابل توجهی از نیازمندی‌های دستگاه ایلخانی را کارگاه‌هایی تولید می‌کردند که تحت نظارت کارگزاران حکومتی قرار داشتند. رشیدالدین فضل‌الله که با بنای ربع رشیدی و ایجاد کارخانه‌های شعربافی و صوفبافی و سکونت صنعتگران و پارچه

^{۴۳} خواجه نصیرالدین طوسی، *اخلاق ناصری*، تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری (تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۴)، ۲۱۲.

^{۴۴} زکریای قزوینی، *آثار البلاد و اخبار البلاد*، ترجمه عبدالرحمان شرفکندی (تهران: مؤسسه علمی اندیشه جوان، ۱۳۶۶)، ۲۹، ۴۱، ۵۴، ۶۲، ۸۲ و ۱۱۱-۱۱۲.

^{۴۵} مارکوپولو، *سفرنامه*، ترجمه منصور سجادی (تهران: انتشارات گویش، ۱۳۶۳)، ۳۳.

^{۴۶} س.م. دیماند، *راهنمای صنایع اسلامی*، ترجمه عبدالله فریار (چاپ ۲؛ تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵)، ۲۳۴-۲۳۸.

بافان در محلات مشخصی از شهرک رشیدیه توجه زیادی به این صنعت نشان داد، انواع متعددی از پارچه‌های تولیدی این عصر را برشمرده است. کمخا، اطلس، موئینه، برد، بندقی، عتابیه، کتان، ارمک، برک، سقرلاط، صوف، قطیفه، ابیاذیه الوان، مصریه، شمسیه، عین البقر، صابوریه، ذبیقیه، قدک، متقالیه، مخمل الوان و کرباس برخی از این نمونه‌هاست.^{۴۷} در همین زمان رشیدالدین فضل‌الله در شهر تبریز پارچه‌های ابریشمی یک‌رنگ (کمخا) و پارچه‌های بافته‌شده از پشم شتر (برک) و مخمل‌های رنگارنگ تولید می‌شد، در شیراز کرباس، پارچه‌های نخی و کتانی، در کازرون کرباس، در اصفهان پارچه‌های نخی، در کاشان پارچه‌های ابریشمی و در هرات منسوجات ابریشمی و کمخا تولید می‌شد. در سفرنامه ابن بطوطه هم پارچه‌های متعددی از قبیل ارمک (قبای بالاپوش)، بیرمی (پارچه‌ای از پنبه)، جز (ابریشمی الوان)، کف (کفش ساق‌بلند)، دبیلی (بافت انطاکیه)، دراعه (قبای بلند دکمه‌دار)، زردخانی (ابریشمی لطیف و منقش به شکل حیوانات)، طاقیه (کلاه بلند مخصوص شیوخ)، عصابه (پیشانی‌بند)، فرجی (پیراهن فراخ مخصوص شیوخ)، لاذقی، مرغری (پارچه‌ای لطیف از موی بز)، سرمین، شانباف، صلاحیه، ملف، وسطانیات و تحتانیات نام برده شده است.^{۴۸}

رونق صنعت پارچه‌بافی فقط به شهرهای تبریز، بغداد، نیشابور، شیراز، طوس، شوشتر، کرمان و شهرهای گرجستان و روم محدود نبود. بخش مهمی از منسوجات آن زمان در کارخانه‌های وابسته به حکومت تولید می‌شد. قطعاً حمایت بزرگان مغول و وابستگان به دستگاه ایلخانی در این زمینه نقش فراوانی داشت. حمایت و تشویق کارگزاران حکومت ایلخانی از این صنعت برای تأمین نیازهای آنها بود، اما چنان‌که از گزارش‌های منابع آشکار است، بخشی از این فعالیت‌های با اهداف اقتصادی و تجاری صورت می‌گرفت. بی‌شک پارچه‌های تولید یزد، کرمان، شیراز، تبریز، اصفهان، بغداد، موصل و غیره از صادرات اصلی آن زمان محسوب می‌شد.^{۴۹}

فرش و قالی هم در ولایات آن زمان بافته می‌شدند، اما نمونه‌هایی از آنها به جا نمانده است. متأسفانه اطلاعات منابع نیز در این خصوص اندک است. فقط مستوفی است

^{۴۷} رشیدالدین فضل‌الله، مکتوبات رشیدی، مکتوب ۵۱، ۳۲۰-۳۲۱؛ مکتوب ۳۳، ۱۸۵-۱۹۳.

^{۴۸} محمدبن عبدالله ابن بطوطه، سفرنامه، ترجمه محمدعلی موحد (چاپ ۶؛ تهران، انتشارات آگه، ۱۳۷۶)، جلد ۱، ۱۱۱، ۲۵۱، ۳۱۱، ۳۴۹، ۳۵۲، ۳۶۹، ۵۸۸، ۴۰۶ و ۱۰۵؛ جلد ۲، ۲۷۷، ۲۷۸، ۱۷۰ و ۲۸۶.

^{۴۹} بنگرید به مارکوپولو، سفرنامه، ۳۳-۴۵؛ زکریای قزوینی، آثار البلاد و اخبار البلاد، ۴۱، ۵۴، ۶۲ و ۸۲.

که از بافتن زیلو و قالی در شهر قالیقلا، از شهرهای روم، سخن می‌گوید.^{۵۰} در همین زمان، صنعت فرش‌بافی شیراز مورد توجه بود و در زمان غازان همهٔ فرش‌هایی که برای مغروش کردن ساختمان‌های ابواب البر غازانیه لازم بود از شیراز تهیه شدند. از نقاشی‌های به‌جامانده از آن زمان و اینکه در دورهٔ تیموری و صفوی قالی‌بافی ایرانی رو به رشد گذاشت می‌توان استنباط کرد که قالی‌بافی این دوره نیز رونق داشته است.^{۵۱}

هـ. اسلحه‌سازی

تولید اسلحه مهم‌ترین صنعتی بود که توجه مستقیم مغول‌ها را به خود جلب کرده بود. بنا بر ماهیت نظامی حکومت ایلخانان و مشکلات مداوم آنها در خطوط مرزی، تأمین تجهیزات نظامی سپاهیان مغول یکی از دغدغه‌های اصلی حکومت بود. از زمان چنگیز، مغول‌ها از صنعتگران ماهری که در زمینهٔ ساخت اسلحه مهارت داشتند حمایت می‌کردند و آنها را در یورت‌های مخصوص سکونت می‌دادند.^{۵۲} در جریان تهاجم مغول هم صنعتگران اسلحه مورد توجه آنها بودند و از اوان دورهٔ فتوحات یکی از امور مهم مورد نظر تجار تأمین مایحتاج نظامی مغول‌ها بود. به هنگام قیام محمود تارابی در بخارا، یکی از عواملی که در برتری اولیهٔ قیام مؤثر واقع شد غارت کاروانی بود که از شیراز به مغولستان می‌رفت و حدود چهار خوروا انواع سلاح‌های نظامی با خود حمل می‌کرد.^{۵۳} پلان کارپن از اهتمام ویژهٔ سپاهیان مغول برای مجهز ساختن خود به سلاح‌های پیشرفتهٔ آن زمان و تجهیز خویش به کلاه‌خودهای آهنین و انواع نیزه و در اختیار داشتن مواد منفجره سخن می‌گوید.^{۵۴} در هنگام اعزام هولاکو به ایران، بخشی از سپاهسانی که از طرف قاآن به او هدیه شد هزار خانوار از صنعتگران مجرب ختایی بودند که در ساخت اسلحه و فنون منجنيق تخصص داشتند.^{۵۵} در آغاز پیدایش حکومت ایلخانی، سپاهیان خود مجبور به تهیه یا ساخت تجهیزاتشان بودند. اما جنگ‌های پی‌درپی و استهلاک روزافزون آلات و ادوات جنگی این امکان را

^{۵۰} حمدالله مستوفی، *نزهة القلوب*، به کوشش محمد دبیر سیاقی (تهران: انتشارات کتابخانه طهوری، ۱۳۳۶)، ۱۱۲.

^{۵۱} بنگرید به ذبیح‌الله صفا، *تاریخ سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ایران از آغاز تا پایان عهد صفوی* (تهران: انتشارات فردوسی، ۱۳۷۶)، ۲۵۶؛ دونالد ویلبر، *معماری اسلامی ایران در دورهٔ ایلخانان*، ترجمهٔ عبدالله فریار (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵)، ۱۹ و ۳۲.

^{۵۲} بنگرید به ولادیمیر تسوف، *نظام اجتماعی مغول*، ۱۹۰.

^{۵۳} جوینی، *تاریخ جهانگشا*، جلد ۱، ۸۸.

^{۵۴} کارپن، *سفرنامه*، ۶۶-۶۷ و ۷۰.

^{۵۵} جوینی، *تاریخ جهانگشا*، جلد ۳، ۹۳.

از سربازان مغولی می‌گرفت و ایلخانان را وادار کرد در این زمینه اقدامی جدی به عمل آورند. توجه به این مقوله از زمان آباقا آغاز شد. در آن زمان، علاوه بر کارخانه‌هایی که تحت نظر دستگاه حکومتی به تولید اسلحه مشغول بودند، دیگر صنعتگرانی که در این رشته تخصص داشتند مجبور به تولید اسلحه برای دستگاه حکومتی و تحویل آن به قورچیان مخصوص این کار بودند.^{۵۶} آنچه تحت عنوان دیوان مساس در زمان ایلخانان وجود داشت و با سرشماری دقیق از صنعتگران و ثبت اسامی آنها در دفاتر مخصوص بر عملکردشان نظارت می‌کرد در درجه اول فعالیت صنعتگران اسلحه را در نظر داشت. اوزان یا اوران (لغتی مغولی که به صنعتگران و کارگران کارخانه‌ها اطلاق می‌شد) در این دوره اهمیت بسیار داشتند و رابطه آنها با دستگاه حکومتی از طریق دیوان مساس برقرار می‌شد.^{۵۷} جامع‌التواریخ، تاریخ‌نامه هرات و دستورالکاتب درباره دیوان مساس و امیری که در رأس آن قرار داشت اطلاعات پراکنده‌ای به دست می‌دهند.^{۵۸} بر اساس گزارش‌های رشیدالدین فضل‌الله، در دوران قبل از ایلخانی‌ها، در هر یک از شهرها و ولایات اوران بسیار از «کمانگیر و تیرتراش و قربان‌ساز و شمشیرگر و غیره»، اعم از مغول و غیر مغول، مشغول به کار بودند و در ازای سلاح‌هایی که به قورچیان تحویل می‌دادند مرسوم و مواجبی دریافت می‌کردند. همچنین، افرادی با دیوان مساس قرار می‌گذاشتند که هر سال تعداد معینی سلاح تحویل دهند و در عوض آن بر وجوه ولایات برات دریافت کنند. بخشی از سلاح‌های مورد نیاز هم در کارخانه‌ها تولید می‌شد.^{۵۹} این مورخ در ادامه مطلب از فساد و سوء استفاده‌های فراوانی که در امور مالی این صنعت به وجود آمده بود سخن می‌گوید. بر اساس گفته او، کسانی که با دیوان مساس قرار به تولید انواع اسلحه داشتند با کنار آمدن با قورچیان و نواب دیوان به جعل اسناد می‌پرداختند و بدون تحویل هیچ سلاحی به دیوان آن را در دفتر ثبت و در مقابل برات دریافت می‌کردند. از این روی، در حالی که جماعت طلبکاران بسیار زیاد و ایلچیان متعددی برای وصول مطالبات در ولایات سرگردان بودند، سلاح چندی به دیوان تحویل داده نمی‌شد. از سوی دیگر، قورچیان و دیگر عمال در پرداخت مواجب صنعتگران کوتاهی می‌کردند و این امر موجب دلسردی و شانه خالی کردن آنها از بار مسئولیت و انجام کار می‌شد.

^{۵۶} بنگرید به برتولد اشنولر، تاریخ مغول در ایران (چاپ ۳؛ تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۶۸)، ۴۱۱.

^{۵۷} بنگرید به جویی، تاریخ جهانگشا، جلد ۳، حواشی مصحح، ۴۷۷-۴۷۸.

^{۵۸} رشیدالدین فضل‌الله، جامع‌التواریخ، ۷۷۲ و ۱۰۷۸-۱۰۸۰؛ سیفی هروی، تاریخ‌نامه هرات، ۳۶۱؛ محمدبن هندوشاه نخجوانی، دستورالکاتب فی تعیین المراتب، و تصحیح عبدالکریم اوغلی‌زاده (مسکو: اداره انتشارات دانش، ۱۹۷۶)، جزء ۲، ۷۷، ۸۹ و ۱۲۸.

^{۵۹} رشیدالدین فضل‌الله، جامع‌التواریخ، جلد ۲، ۱۰۹۴.

در نتیجه این مشکلات که از اواخر عهد آباقا رفته‌رفته آغاز شده بود، صنعت اسلحه‌سازی دچار بی‌نظمی شد و تا زمان قدرت‌گیری غازان نظمی نسبی به خود ندید.^۶ برای بهبود این وضعیت در عهد غازان اقدامات زیر صورت گرفت:

۱. کسانی که در شهرهای متفاوت با هزینه خود سلاح می‌ساختند به ازای هر چند دست سلاحی که به دیوان تحویل می‌دادند و بنا بر قیمت عادلانه بازار اجرت دریافت می‌کردند.

۲. درآمد هر ولایت جداگانه برای پرداخت این اجرت‌ها تعیین شد.

۳. بر سر هر گروه از صنعتگران فردامینی—شاید هم منصبی با عنوان امین—گماردند تا بر دریافت سلاح و پرداخت مواجب صنعتگران نظارت داشته، ضامن تعهدات آنها باشد.

۴. برای صنعتگران مغولی هم که در کارخانه‌ها کار می‌کردند و در حکم آرات‌های بزرگان حکومتی به شمار می‌رفتند نیز مقرر شد که هزینه و سرمایه لازم از طرف دیوان در اختیار آنها قرار گیرد.

۵. چون سلاح‌های باکیفیت در بازار زیاد بود و ساخت سلاح به دست اوران—احتمالاً آن دسته که جزء آرات‌ها بودند—و تحویل آن به دیوان و واگذاری آن به سپاهیان مقرون به صرفه نبود، مقرر شد به سپاهیان به جای سلاح از خزانه وجه نقد دهند تا خود سلاح‌های مورد نظرشان را بخرند. با این اوصاف، تولیدات اوران باید در بازار فروخته می‌شد و وجوه آن به دیوان تحویل داده می‌شد.

۶. فقط سلاح‌هایی به سفارش دیوان ساخته می‌شد که در بازار وجود نداشتند و مابقی سلاح‌ها را از بازار و مستقیماً خریداری می‌کردند.

رشیدالدین فضل‌الله در ادامه از رونق صنعت اسلحه و کاهش قیمت انواع سلاح سخن گفته و سهم اقدامات غازان را در این زمینه مهم می‌شمارد.^{۶۱} آنچه که راه سوء استفاده‌های احتمالی در این صنعت را هموار می‌کرد اهمیت اسلحه و لزوم تأمین آن به هر طریق ممکن بود. نظر به اهمیت اسلحه مورد نیاز مغول‌ها، بخشی از نیازهای تسلیحاتی سپاهیان ایلخانی از بلاد خارجی و از جمله اروپا وارد می‌شد و صنعتگران

^{۶۰} رشیدالدین فضل‌الله، جامع التواریخ، جلد ۲، ۱۰۹۴-۱۰۹۵.

^{۶۱} رشیدالدین فضل‌الله، جامع التواریخ، جلد ۲، ۱۰۹۴-۱۰۹۶.

اروپایی در اردوی ایلخانان حضور فعال داشتند.^{۶۲} علاوه بر تولید سلاح در همه شهرها و ولایاتی که رشیدالدین فضل‌الله به طور عام از آن سخن گفته است، مهم‌ترین مراکز تولید اسلحه در شهرهای شیراز، کرمان، تبریز و اصفهان قرار داشتند.^{۶۳} برای نمونه، در یکی از مکتوبات رشیدالدین فضل‌الله به فرزندش، خواجه ابراهیم حاکم شیراز، برخی از سلاح‌ها و وسایل نظامی مورد تقاضایش که در شیراز ساخته می‌شدند به این صورت آمده است: شمشیر ۱۰۰۰ عدد، خنجر ۱۰۰۰ عدد، دیوس ۱۰۰۰ عدد، کلرمیه ۵۰۰ عدد، سکین ۵۰۰ عدد، قوس ۵۰۰ عدد، خدنگ ۵۰۰ عدد، قصب هندی ۶۰۰ عدد، رماح ۱۳۰۰ عدد، خیزران ۱۰۰۰ عدد.^{۶۴}

نتیجه‌گیری

پیشینه صنعت و ضرورت تأمین معیشت بخشی از مردم شهری ایران از راه تولید کالاهای صنعتی و هنری از یک سوی و نیاز مغول‌ها به مصنوعات مردم شهری برای پاسخ‌گویی به ضرورت‌های نظامی و معیشتی از سوی دیگر، فرمانروایان مغول را به برخورد منطقی و آگاهانه با اهل حرف و صنایع وامی‌داشت. در آن سوی، صاحبان حرف نیز از این موقعیت ویژه خود برای مهار رفتارهای غیر مدنی مغول و تعدیل گرایش‌های نامعقول ایشان در سیاست و اقتصاد بهره می‌گرفتند. نیاز مبرم مغول‌ها به تولیدات صنعتی قوم غالب را بر آن داشت که از همان آغاز فتوحات صاحبان حرف و به‌ویژه مشاغل صنعتی مورد علاقه را حرمت بیشتری نهند و با هدایت فعالیت‌های ایشان در چارچوب کارخانه‌ها در جایگاه سنت دیرپای اقتصادی در تاریخ ایران - از دستاوردهای آنها بهره بیشتری بگیرند. بنابراین، اندکی پس از تهاجم مغول به ایران، فعالیت‌های این کارخانه‌ها شروع شد و خوانین و خواتین خاندان چنگیزی، چه در مغولستان، چه در ماوراءالنهر و چه در خراسان، از تولیدات این کارخانه‌ها استفاده کردند. به همین سبب، صنایع "اسلحه‌سازی" از حیث اهتمام مغول به جنگ به مثابه شیوه‌ای برای تأمین معاش و ابزاری برای تداوم قدرت و بنابراین نیاز همیشگی‌اش به مصنوعات نظامی و "پارچه‌بافی" از حیث دگرگونی ساختار زندگی و تمایل به رفاه و تجمل‌طلبی خاندان حاکمه و اشرافیت نظامی مغول مورد توجه بیشتر بود و لذا طبیعی است که رشد بیشتری کرده باشد. فعالیت‌های صنعتی در قالب کارخانه‌ها

^{۶۲} و صاف، تاریخ و صاف، ۵۵۳-۵۵۴؛ سیفی هروی، تاریخ‌نامه هرات، ۵۰۴.

^{۶۳} زکریای قزوینی، آثار البلاد و اخبار البلاد، ۴۱، ۵۴ و ۱۱۲؛ مارکوپولو، سفرنامه، ۴۴-۴۵.

^{۶۴} رشیدالدین فضل‌الله، مکاتبات رشیدی، مکتوب ۵۲، ۳۲۷.

در سراسر عهد ایلخانان تداوم داشت. اگرچه ناآرامی‌های سیاسی حد فاصل دوران ایلخانی ارغون تا غازان (۶۸۳-۶۹۴ق/۱۲۸۵-۱۲۹۶م) ساختار و نحوه فعالیت این کارخانه‌ها را گسست، اما اصلاحات عصر فرمانروایی غازان (۶۹۴-۷۰۳ق/۱۲۹۶-۱۳۰۵م) گسست و فساد را ترمیم کرد. در پرتو اهتمام ایلخانان به شهر و شهرنشینی در عصر مسلمانی، تولیدات کارخانه‌ای نظم بیشتری به خود گرفتند و صنایع اسلحه‌سازی و پارچه‌بافی به‌ویژه حسب شرایط و سنخ نیاز مغول‌ها در هر عصری ساختار منظم‌تری پیدا کردند.



کتاب ایران نادگ

تجدد بومی و بازاندیشی تاریخ

محمد توکلی طرقي

ویراست دوم